

آموزه های تربیتی حدیث عنوان بصری

زینب محمدی^۱

چکیده

حدیث عنوان بصری مجموعه‌ای از آموزه‌های اخلاقی و تربیتی است که امام صادق (علیه السلام) به عنوان بصری ارائه کرده اند. همچنین، به لزوم ترک خودبینی و حرکت به سوی خدابینی و پاسخ گویی به نیاز اساسی فکری و روحی جامعه و عصمت در قرب نوافل اشاره می‌کند. این حدیث به عنوان راهنمایی برای سیر و سلوک معنوی و خودسازی مورد توجه قرار گرفته است. مهم ترین آموزه‌های تربیتی این حدیث شامل خودشناسی، ترک خودبینی، توجه به مال خدا بودن، تدبیر امور به خدا و اشتغال به اوامر و نواهی الهی است و شامل آموزه‌های تربیتی مهمی در زمینه خودسازی و سیر و سلوک الی الله است. پژوهش حاضر به روش توصیفی، تحلیلی و با استناد از منابع کتابخانه ای تالیف شده است.

کلیدواژه: آموزه، تربیت، حدیث، بصری.

^۱ طلبه سطح دو، حوزه علمیه الزهرا

مقدمه

حدیث عنوان بصری، روایتی از امام صادق (علیه السلام) است که به عنوان یک دستورالعمل اخلاقی و تربیتی برای سالکان و طالبان راه حق بیان شده است. این حدیث با تأکید بر ترک تدبیر نفس و سپردن امور به خداوند، زمینه را برای آسانی در مواجهه با مصائب دنیا و دوری از فخرفروشی فراهم می‌کند و در نهایت، به کسب تقوا و دوری از بطالت منجر می‌شود و به عنوان یک راهنمای ارزشمند در تربیت نفس و سلوک الی الله، نتایج مهمی را برای سالکان در پی دارد. از جمله این نتایج می‌توان به تحقق بندگی واقعی، دوری از خودبینی و خودخواهی، و روی آوردن به خداوند متعال در تمام امور اشاره کرد. این آموزه‌ها به عنوان ارکان عبودیت و بندگی حقیقی در این روایت بیان شده‌اند. در پیشینه این پژوهش، مقالاتی در این زمینه و در ارتباط با موضوع پژوهش به صورت پراکنده نوشته شده است و هرکدام از این پژوهش‌ها به یک بحث در ارتباط با این موضوع پرداخته‌اند از جمله در مقاله: بررسی آموزه‌های اخلاقی امام صادق (علیه السلام) در حدیث عنوان بصری و جایگاه آن در تربیت اسلامی دانش آموزان دوره ابتدایی، مولف فاطمه احمدی و دیگران، ۱۴۰۱ در این مقاله امام صادق (علیه السلام) در این حدیث زمینه‌های جسمانی و روحانی لازم برای سلوک الی الله و نیز کسب علم را بیان فرموده‌اند که طبق نظر اینجانب از بیانات ایشان در سه مقوله علم، بردباری و تهذیب نفس طبقه بندی می‌شوند و بردباری و تهذیب نفس را لازمه کسب علم حقیقی می‌دانند. از آنجا که در کلام معصوم هیچ گونه خطایی راه ندارد، فلذا کسب علم حقیقی و تربیت انسان در جهت رسیدن به حیات طیبه، به ویژه در دانش آموزان، جز به طرق نام برده شده امکان پذیر نمی‌باشد. در مقاله: تحلیل شاخصه‌های تربیت اخلاقی با تأکید بر حدیث عنوان بصری، مولف صادق حسنی و دیگران، ۱۴۰۳ در این مقاله حدیث در این میان، حدیث عنوان بصری منقول از امام صادق (علیه السلام) می‌تواند اهمیت و نقش بسزایی در پاسخ گویی به نیاز اساسی فکری و روحی جامعه آشفته انسانی امروز که از اخلاق دور شده و شدیداً به آن احساس نیاز می‌کند، داشته باشد. در مقاله: تربیت حقوقی در اسلام در پرتو حدیث عنوان بصری، مولف محمد قهرمانی، ۱۴۰۱ در این مقاله ضمن بهره منده از دیدگاه‌های قواعد ارزشی و اخلاق اسلامی، به تبیین الگوهای رفتاری یک حقوقدان در یادگیری دانش حقوق برای رشد شخصیت حقوقی و پیشبرد مسایل حقوقی براساس حدیث پر محتوای «عنوان بصری» به روش توصیفی و تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای پرداخته می‌شود. هدف از این پژوهش، آموزه‌های تربیتی حدیث عنوان بصری است. ولی در این مقاله حاضر سعی شده است که به آموزه‌های تربیتی حدیث عنوان بصری بپردازیم. بر این اساس ما در این پژوهش درصدد پاسخ به سؤالاتی هستیم که بیانگر و روشن‌کننده این تحقیق باشد از جمله:

۱- آموزه‌های تربیتی حدیث عنوان بصری چیست؟

۱- حدیث عنوان بصری

حدیث عنوان بصری از یک پرسش و یک درخواست توصیه و پاسخ آنها از سوی امام صادق (ع) تشکیل یافته است که فرموده اند: قَالَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَرِيدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ فَإِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ فَاطْلُبْ أَوَّلًا مِنْ نَفْسِكَ حَقِيقَةَ الْعُبُودِيَّةِ وَاطْلُبِ الْعِلْمَ بِاسْتِعْمَالِهِ وَاسْتَفْهِمِ اللَّهَ يَفْهَمْكَ؛ حضرت فرمود: ای اباعبدالله! علم و دانش به یادگیری نیست، بلکه نوری است در دل کسی که خدای متعال می خواهد او را هدایت کند، اگر طالب علم هستی ابتدا بندگی حقیقی را در خود به وجود آور، و علم را برای عمل کردن بیاموز، و از خداوند فهم بخواه تا تو را فهمم گرداند.^۱

قُلْتُ يَا شَرِيفُ فَقَالَ قُلْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ؛ قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ؟ قَالَ ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ: أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِي مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ مِلْكًا لَأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ يَرَوْنَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ؛ وَلَا يَدَّبِرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا؛ وَجُمْلَةُ اسْتِغَالِهِ فِي مَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ؛ فَإِذَا لَمْ يَرَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِي مَا خَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكًا هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِي مَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يَنْفِقَ فِيهِ وَإِذَا فَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدَبِّرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَإِذَا اشْتَغَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَنَهَاهُ لَا يَتَفَرَّغُ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرَاءِ وَالْمُبَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ فَإِذَا أَكْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَإِبْلِيسُ وَالْخَلْقُ وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَاثُرًا وَتَفَاخُرًا وَلَا يَطْلُبُ عِنْدَ النَّاسِ عِزًّا وَلَا عُلُوًّا وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلًا فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ الْمُتَّقِينَ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ گفتم: ای شریف! فرمود: بگو: یا اباعبدالله، گفتم: یا اباعبدالله! حقیقت بندگی چیست؟ فرمود: به سه چیز است: اول اینکه بنده آنچه را خدا به او بخشیده ملک خود نداند، زیرا بندگان مالک نیستند، بلکه مال را از آن خدا می بینند، و هر کجا خدا فرمان داد مصرفش می کنند. دوم اینکه: بنده تدبیر امور خودش را نمی نماید، سوم اینکه: تمام وقت خود را صرف انجام اوامر خدا و ترک نواهی او کند؛ بنا براین، هر گاه بنده چیزی را که خدا به او بخشیده ملک خود نداند، انفاقش در راه خدا بر وی آسان گردد، و هر گاه تدبیر امورش را به دست مدبر واقعی سپرد، سختیهای دنیا برایش آسان شود، و هر گاه بنده به امر و نهی خدا گردن نهاده، هیچ گاه با مردم جدال نمی کند، و به آنان فخر نمی فروشد. هر گاه خداوند به بنده این سه خصلت را عطا فرمود، دنیا و شیطان و مردم در نظرش خوار می شود، و به خاطر مال جمع کردن و فخر فروشی به دنبال دنیا نمی رود، و از مردم عزت و مقام نمی طلبد، و اوقاتش را هدر نمی دهد، این اولین درجه پرهیزگاران است، خداوند

^۱ حسینی طهرانی، روح مجرد، ص ۱۷۵. حدیث عنوان بصری: دستور العمل امام صادق علیه السلام برای خودسازی»، سایت حوزه؛ «حجت الاسلام والمسلمین عالی - حدیث عنوان بصری»، سایت برنامه سمت خدا.

متعال می فرماید: (جهان آخرت را برای کسانی مهیا نمودیم که در روی زمین دنبال مقام پرستی نرفته و مرتکب فساد نشده باشند و پایان نیک برای پرهیزگاران است).^۱

قُلْتُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَوْصِنِي. فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتِسْعَةِ أَشْيَاءَ، فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِمُرِيدِي الطَّرِيقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ اللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُوَفَّقَكَ لِاسْتِعْمَالِهِ؛ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحِلْمِ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ. فَاحْفَظْهَا وَ إِيَّاكَ وَ التَّهَآؤُونَ بِهَا قَالَ عَنْوَانُ فَفَرَعْتُ قَلْبِي لَهُ. فَقَالَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ: فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِيهِ فَإِنَّهُ يُوْرِثُ الْحِمَاقَةَ وَ الْبَلَاءَ وَ لَا تَأْكُلْ إِلَّا عِنْدَ الْجُوعِ وَ إِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَ سَمَّ اللَّهُ وَ اذْكُرْ حَدِيثَ الرَّسُولِ: «مَا مَلَأَ آدَمِي وَعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنِهِ فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَتَلْتُ لِبَطْنِهِ وَ ثُلُثٌ لَشَرَابِهِ وَ ثُلُثٌ لِنَفْسِهِ»؛ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْحِلْمِ: فَمَنْ قَالَ لَكَ إِنْ قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتُ عَشْرًا - فَقُلْ إِنْ قُلْتَ عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً وَ مَنْ شَتَمَكَ فَقُلْ إِنْ كُنْتَ صَادِقًا فِيمَا تَقُولُ - فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَهَا لِي وَ إِنْ كُنْتَ كَاذِبًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَهَا لَكَ وَ مَنْ وَعَدَكَ بِالْجَفَاءِ فَعِدْهُ بِالنَّصِيحَةِ وَ الدُّعَاءِ؛ وَ أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْعِلْمِ: فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا جَهِلْتَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعَنُّتًا وَ تَجَرِبَةً وَ إِيَّاكَ أَنْ تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ شَيْئًا وَ خُذْ بِالْإِحْتِيَاظِ فِي جَمِيعِ مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَ اهْرُبْ مِنَ الْفُتْيَا هَرَبَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ لَا تَجْعَلَ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جِسْرًا.^۲؛

گفتم: یا ابا عبد الله! مرا نصیحتی فرما، فرمود: تو را به نه چیز سفارش می کنم، و این نه چیز سفارش من است به کسانی که پویندگان راه به سوی خدا هستند، و از خداوند می خواهم که تو را در عمل به آنها توفیق عنایت فرماید. سه تای آنها در تربیت نفس است، و سه تای آنها در بردباری، و سه تای آنها در علم، آنها را به خاطر بسپار، و در مورد آنها سهل انگاری مکن، عنوان گوید: دلم را برای شنیدن آماده ساختم.

در حالی که برای خودسازی نتوان حدیثی کاملتر از این حدیث از امام صادق علیه السلام پیدا نمود. چنانچه آیت الله سید علی قاضی برای گذشتن از نفس اماره و خواهش های نفسانی، به شاگردان و مریدان سیر و سلوک الی الله دستور می دادند روایت عنوان بصری را بنویسند و بدان عمل کنند؛ یعنی، یک دستور اساسی و مهم، عمل طبق مضمون این روایت بود. علاوه بر این می فرمودند: باید آن را در جیب خود داشته باشند و هفته ای یکی دو بار آن را مطالعه نمایند. این روایت، بسیار مهم است و حاوی مطالب جامعی در بیان کیفیت معاشرت و خلوت و

^۱ پایگاه اطلاع رسانی حوزه، حدیث عنوان بصری، دستورالعمل امام صادق علیه السلام برای خودسازی، ۱۳۸۱. حدیث عنوان بصری: دستور العمل امام صادق علیه السلام برای خودسازی»، سایت حوزه؛ «حجت الاسلام والمسلمین عالی - حدیث عنوان بصری»، سایت برنامه سمت خدا.

^۲ طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۳۲۶؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

کیفیت و مقدار غذا و کیفیت تحصیل علم و کیفیت حلم و مقدار شکیبایی و بردباری و تحمل شدائد در برابر گفتار هرزه گویان، و بالاخره مقام عبودیت و تسلیم و رضا و وصول به اعلا ذروه عرفان و قله توحید است.^۱

۲- آموزه‌های تربیتی حدیث عنوان بصری

۱- توجه به مالکیت مطلق الهی

از جمله روشننگری های قرآن این است که مالکیت در آسمان ها و زمین، تنها از آن خداوند است. خداوند می فرماید: آیا نمی دانی که فرمانروایی آسمان ها و زمین از آن خداوند است.^۲

بگو: خداوند، ای فرمانروای هستی، به هر که بخواهی فرمانروایی می بخشی و از هر کس که بخواهی فرمانروایی بازستانی^۳ و فرمانروایی آسمان و زمین از آن خداوند است و خدا بر هر کاری **توانا است**.^۴

و فرمانروایی آسمان و زمین از آن خداوند است و سیر بازگشت به سوی اوست.^۵ این روشننگری قرآن بر شیوه زندگی انسان تأثیر مستقیم دارد؛ چون وقتی آدمی به این باور دست یابد که خداوند مالک مطلق آسمانها و زمین است و هیچ مالک دیگری به جز او نیست، از تمایلات دنیوی خود می کاهد و از قید وابستگی به دنیا می رهد. این، همان چیزی است که علمای اخلاق آن را زهد می نامند که معنای مقابل آن وابستگی به دنیاست.

علی بن ابی طالب(ع) در جمله ای کوتاه، معنای زهد را چنان خلاصه کرده است که در تعریف زهد، جمله ای موجزتر و رساتر از آن نمی شناسیم: زهد در قرآن در دو کلمه خلاصه شده است: «تا آنکه بر آنچه از دست شما می رود افسوس مخورید و بر آنچه به شما بخشد شادمانی مکنید».^۶

آری، زاهد نه بر آنچه از دستش می رود افسوس می خورد و نه از آنچه به دست می آورد شادمان می شود. و دلبستگی به دنیا انسان را سنگین می کند و حس سبکی پرواز به سوی خدا را از وی سلب می کند و باعث به وجود آمدن حالت سستی و تنبلی می شود. این آیّه، توصیف دقیقی از این حالت است: چرا هنگامی که به شما

^۱ حسینی طهرانی، روح مجرد، ص ۱۷۵-

^۲ بقره، ۱۰۷.

^۳ آل عمران، ۲۶.

^۴ آصفی، فصل نامه علوم و حدیث، ش ۱۸، ۲۵، ۱۳۸۸/۸.

^۵ مائده، ۱۸.

^۶ حدید، ۳.

انس بن مالک می گوید: ده سال خادم پیامبر(ص) بودم؛ هیچ گاه در کاری که کرده بودم نفرمود: «چرا کردی؟» و در کاری که نکرده بودم نفرمود: «چرا نکردی؟» و درباره هیچ چیزی نفرمود: «کاش می بودا» و هرگاه کسی از اهل بیت او با من تندی می کرد می فرمود: «رهاش کنیدا اگر چیزی در قضای خداوند باشد، حتماً خواهد شد.»^۱

در کتاب الکافی آمده است: امام حسین(ع) عبدالله بن جعفر را ملاقات کرد و فرمود: ای عبدالله، چگونه موءمن موءمن است، در حالی که با توجه به اینکه خداوند مدبر اوست از قسمت خود ناراضی است و شأن خود را پست می کند؟ من ضمانت می کنم اگر در اندیشه کسی جز رضامندی از قضای خدا خطور نکند، مستجاب الدعوه شود.^۲

اینان صاحبان نفسهای مطمئنه اند که خدا درباره آنان فرموده است: هان ای نفس مطمئنه، به سوی پروردگارت که تو از او خشنودی و او از تو خشنود، باز گرد.^۳

ابن سینا در اشارات، در مقامات العارفین، نیز به همین معنا اشاره دارد: عارف، شاد و مسرور و خندان است. از روی تواضع، کوچک را چون بزرگ مورد احترام قرار می دهد و با کودن چون زیرک گشاده روست؛ و چگونه شاد نباشد که خداوند شادمانی اوست و او در هر چیز خدای را می بیند.^۴

منازل راه بین «معرفت جبار» و «تفویض کار به او»، مراحل میانی و منازل بسیاری است که شرح آن مجالی دیگر می طلبد. هنگامی که انسان دانست که خدا پروردگار جهانیان و بخشنده مهربان است، او را سپاس می گزارد و چون دانست او سرپرست و حاکم بر بندگان است، اطاعت و بندگی او را پیشه خود می کند و چون دریافت که خداوند دعای بندگان خود را مستجاب می کند، به درگاه او دست به دعا برمی دارد و وقتی فهمید که خداوند آمرزنده است، به استغفار و توبه می پردازد و هنگامی که دانست خدا شدید العقاب است، از مقام پروردگار خویش بیمناک می گردد و چون دانست خداوند دارای رحمت گسترده است، به او امیدوار می شود و وقتی فهمید که خداوند متعال بندگان خویش را دوست داشته، گرامی شان می دارد، خدا را دوست خواهد داشت.^۵

بدین ترتیب، سلوک إلی الله راهی طولانی است که ابتدای آن شناخت خدا و انتهای آن تفویض کارها به اوست و بین این آغاز و پایان، مراحل بسیاری چون عبودیت، اطاعت، بیم، امید، اخلاص، محبت، تواضع، شکر، حمد و... است.

^۱ حنبل، مسند احمد حنبل، ج ۳، ص ۲۳۱.

^۲ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳.

^۳ فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲۵، آصفی، محمد مهدی، ۱۳۸۸/۸/۱۸.

^۴ شرح اشارات، ج ۳، ص ۳۹۱.

^۵ فصلنامه علوم حدیث، شماره ۲۵، آصفی، محمد مهدی، ۱۳۸۸/۸/۱۸.

در بسیاری از روایات اسلامی نیز به این معانی اشاره شده است که گلچینی از آنها را به قدری که مناسب این مقال باشد ذکر می کنیم:

پیامبر اکرم(ص) فرموده است: هر که خدا را بشناسد، دهان خود را از سخنان بی مورد و شکم خود را از غذاهای ناپاک می بندد و با نماز و روزه خود را به عفت وا می دارد.

از امیرالمؤمنین(ع) چنین نقل شده است: از کسی که خدایش را می شناسد تعجب می کنم که چرا برای جایگاه ابدی خود تلاش نمی کند.

امام صادق(ع) فرموده است: هر کس شناخت پیدا کند از خدا پروا می کند، و هر که از خدا پروا کرد، نفس او به راحتی از دنیا می گذرد.

این روایات را نیز از امیرمؤمنان(ع) نقل کرده اند: خداوند، ما را از آنان قرار ده که یاد تو از شهوتها بازشان داشته است. خداشناسی در قلب هر کس ساکن گردید، بی نیازی از خلق خدا نیز در قلب او ساکن می شود. کسی که عظمت خداوند را شناخت، سزاوار نیست که احساس بزرگی کند. هر که خداشناس تر باشد، خداترس تر نیز هست. نهایت معرفت، ترس از خداست. هایت علم، ترس از خداوند متعال است. داناترین مردم به خدا کسی است که بیشتر از او طلب حاجت می کند. از کسی که خدا را می شناسد و خداترسی او زیاد نمی شود تعجب می کنم. سزاوار است که خداشناسان بر او توکل کنند. کسی که خدا را می شناسد، سزاوار است دلش چشم بر هم زدنی از بیم و امید خدا خالی نباشد. چهره عارف خندان و دلش محزون است. عبادت عارفان از ترس خدا گریه کردن است. هر چیز را معدنی است و معدن تقوا دلهای عارفان است. کمترین حد معرفت، باعث زهد در دنیا می گردد. میوه معرفت، بی میلی به دنیا است.

هر که خداشناس شود، موحد می گردد. هر کدام از این روایات، ایستگاههای تکامل بشر در معرفت خدا به شمار می آیند. معرفت چنان که در روایات آمده اساس حرکت به سوی آخرت، زهد در دنیا و بی میلی به آن، بی نیازی از مردم، تواضع، دعا، حاجت خواستن از خدا، توکل بر خدا، ترس و بیم از خدا، امید به خدا، حزن و اندوه و گریه، تقوا، توحید، و... است.^۱

این بخشی از منازل تکاملی انسان در این سفر دور و دراز است که از معرفت آغاز شده و به تفویض ختم می شود. در پاسخ به این سؤال که چرا این سفر به تفویض پایان یافته است، باید گفت که آخرین مرحله این سفر این است

^۱ صلنامه علوم حدیث، شماره ۲۵، آصفی، محمد مهدی، ۱۳۸۸/۸/۱۸.

که انسان در عالم وجود جز سلطنت خداوند متعال سلطنت دیگری نشناسد و در پی آن، اراده و رضایت او در اراده و رضای خداوند فانی گردد و دیگر اراده ای جز اراده خدا و رضایتی جز رضایت خدا نداشته باشد و تمام امور خود را به خدا تسلیم کند و از اوامر او خشنود باشد، در اراده و سلطه او فانی شود و از «من» خود حتی سایه ای هم حس نکند. این، پایان سفر است. به طور کلی، حدیث عنوان بصری یک راهنمای جامع برای خودسازی و تربیت نفس است که با توجه به آموزه‌های آن، انسان می‌تواند به سعادت دنیا و آخرت دست یابد.^۱

^۱ آصفی، فصل نامه علوم حدیث، شماره ۲۵.

نتیجه گیری

در حدیث عنوان بصری، حاوی آموزه های تربیتی مهمی در زمینه خودسازی و بندگی خداوند است که توسط امام صادق (ع) به عنوان بصری ارائه شده است. این حدیث بر سه رکن اصلی تأکید دارد: عدم مالکیت بر خود و آنچه در اختیار انسان است، که این حدیث یک راهنمای عملی برای خودسازی و رسیدن به مقام عبودیت و بندگی حقیقی است که با تأکید بر ترک خودبینی، تفویض امور به خداوند و اشتغال به اوامر و نواهی الهی، مسیر سلوک الی الله را با رعایت این سه رکن، انسان به مقام عبودیت و بندگی خداوند نزدیک می شود و در نتیجه، سختی های دنیا و مکر شیطان و وسوسه های مردم برای او آسان می شود و به دنبال فزون طلبی و خودنمایی در دنیا نخواهد بود.

منابع

*قرآن کریم

- ۱- آصفی، محمد مهدی، نکاتی درباره حدیث عنوان بصری از امام صادق (ع)، فصل نامه علوم حدیث، شماره ۲۵، ۱۳۸۱.
- ۲- احسانی، کیوان، سید مجید نبوی و اکرم توانا، «کتاب‌شناسی توصیفی شروح حدیث عنوان بصری»، دانش‌نامه علوم قرآن و حدیث، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
- ۳- حسینی طهرانی، سید محمدحسین، روح مجرد (یادنامه سید هاشم حداد)، تهران، انتشارات حکمت، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
- ۴- حنبل، احمد، مسند احمد حنبل، ج ۳، نشر: موسسه الرساله، ۱۴۱۶ ق.
- ۵- صدوق، محمد، توحید، نشر: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (طبع و نشر)، ۱۳۹۶.
- ۶- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، نجف، چاپ حیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق/۱۹۶۵ م.
- ۷- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، نشر: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۸.
- ۸- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، نشر وفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- ۹- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۶، نشر: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۹۸.
- ۱۰- مطبوعات دینی، شرح اشارات، ج ۳، نشر: مطبوعات دینی، ۱۳۸۴.
- ۱۱- نابلسی، عفیف، عروج تا ملکوت: شرح روایت عنوان بصری، ترجمه رضا عرب بافرانی و علی سالمی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، زمستان ۱۳۹۴ ش.

سایت

- ۱- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، نکاتی درباره حدیث عنوان بصری از امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۸/۸/۱۸.
- ۲- حدیث عنوان بصری، سایت پاتوق کتاب فردا، ۱۴۰۱ ش.
- ۳- گیسوم، عروج تا ملکوت: شرح روایت عنوان بصری، ۱۴۰۱ ش.
- ۴- گیسوم، علم آموزی و معرفت اندوزی (شرح حدیث عنوان بصری)، ۱۴۰۱ ش.